

# نقش بازی

## در رشد

## جسمی

## روانی

## کودک



### گردآورنده: هماینگی

مقدمه:

می آورد تا احساسات و مشکلات خود را عرضه کند، و به عبارتی دیگر ابراز وجود نماید. متأسفانه امروزه بسیاری از والدین و حتی مربیان توجه کافی به امر رهبری بازی ندارند، به این ترتیب که یا کودک را به حال خود وامی گذارند و یا بازی او را با دلسوزیهای اضافی و اسباب بازیهای زیادی، محدود می کنند. پدران و مادران باید توجه داشته باشند که در مراحل مختلف بازی، روشهای گوناگونی اتخاذ شود و همچنین همیشه به یاد داشته باشند که باید به کودک امکاناتی بدهند که او آزادانه و مبتکرانه فعالیت کند تا استعدادهای نهفته اش به درستی شکوفا شود. تنها در این صورت است که بازی می تواند باعث انگیزش، نشاط، فعالیت، ابتکار و خلاقیت در کودکان شود.

بدون تردید می توان گفت که بازی بهترین شکل فعالیت طبیعی هر کودک محسوب می شود و در زندگانی کودک از اهمیت ویژه ای برخوردار است. هرگاه کلمه "کودک" به گوشمان می خورد ناخودآگاه واژه "بازی" در فکر و خیالمان نقش می بندد و به عکس.

در جریان بازی است که نیروهای روحی و جسمی کودک، یعنی: دقت، حافظه، تخیل، نظم و ترتیب، چالاکی و ... رشد می یابند و علاوه بر اینها بازی برای کودک، محرک و انگیزه ای می شود در جهت کسب تجارب اجتماعی.

بازی وسیله طبیعی کودک برای بیان "خود" است. کودک با بازی کردن، موقعیتی را به دست

## ارزشهای بازی

آن طور که دوست دارد در قالب شخصیت‌های دلخواهش بیان کند و کدورت درونی خویش را نیز از بین ببرد.

روحیات آنان روی می‌دهد که همه اینها گذر به مرحله‌ی عالیتر رشد است و پیشرفت را برای کودکان تسهیل می‌کند. اینجاست که امکانات تربیتی بازی آشکار و مسلم می‌شود.

### ۳- ارزش تربیتی

شخصیت واقعی کودکان ضمن بازی شکل می‌گیرد و دگرگونی‌های قابل توجهی در

### ۴- ارزش اجتماعی

کودک در بازی یاد می‌گیرد که

هر بازی سالم و باروری که کودک به آن مشغول می‌شود دارای ارزشهای بس مهمی است که با کمی تأمل می‌توان به درستی به نقش و اهمیت آن در رشد روانی و شخصیتی کودک پی برد.

### ۱- ارزش جسمانی

بازیهای توأم با فعالیت در جهت تکامل رشد عضلانی کودک و ورزش دادن قسمتهای مختلف بدن، از اهمیت و ارزش زیادی برخوردار است. این نوع بازیها برای صرف انرژی اضافی کودک نیز می‌توانند مفید واقع شوند. انرژی اضافی اگر از طریق صحیح مصرف نشود و به حالت سرکوب در جسم کودک ذخیره گردد، او را ناآرام، عصبی و بدخلق می‌کند.

### ۲- ارزش درمانی

بازی به کودک فرصت می‌دهد که احساسات خود را تخلیه کند. او می‌تواند از طریق بازی، انرژی تحت فشار خود را بیرون بریزد. کودک می‌تواند احساسات خود از قبیل: ترس، رنجش، نگرانی، شادی و ... را



هرگاه خسته شد، بازی را رها می‌کند.

ب) بازیهای نمایشی و هیجان انگیز  
این گونه بازیها به تواناییهای کودک می‌افزاید تا از تنگناها و محدودیتهایی که "دنیای واقعیتهای" به او تحمیل می‌کند، بگریزد. بازیهای مورد نظر، کودک را قادر می‌کند تا آرزوهای خود را جامه عمل بپوشاند و نیز به اوفروصت می‌دهد تا خود را از دام بدخلیها برهاند و بر موقعیتهایی که در زندگی واقعی، او را آزار می‌دهند فاتق آید. بازیهای نمایشی، به آینه‌ای می‌ماند که فرهنگ جامعه کودک را منعکس می‌کند.



چطور با فرد بیگانه و خارج از واحد خانواده، روابط اجتماعی برقرار نماید و چگونه مشکلات و مسائل ناشی از این نوع روابط را حل کند و تطابق اجتماعی را فراگیرد.

### ۵- ارزش آموزشی

کودک از طریق بازی با انواع مختلف اسباب - بازی، موفق به آموزش و شناخت رنگها، شکلهای اندازه‌ها، اجناس و اشیاء و اهمیت آنها می‌شود. بازی به کودک کمک می‌کند تا دنیایی را که در آن زندگی می‌کند بشناسد، بفهمد، لمس کند، احساس نماید و سرانجام آنها را کنترل کرده، میان واقعیت و خیال تفاوت قائل شود.

### ۶- ارزش اخلاقی (معنوی)

در جریان بازی کودک یاد می‌گیرد که چه چیز خوب و چه چیز بد است. کودک در می‌یابد که اگر بخواهد در بازی یک فرد قابل قبول به حساب آید، باید صادق، امین، عادل، منضبط، حقیقت طلب، درستکار، مسلط به خود و ... باشد.

### انواع بازیهای مورد علاقه کودکان

بازیهای مورد علاقه کودکان را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

پ - بازیهای خیالی  
این نوع بازیها بیشتر با تخیل و تفکر کودکان ارتباط دارد. نقشی که کودک در حین بازیهای خیالی خود ایفا می‌کند، برای او بسیار هیجان - انگیزتر و جالب‌تر از زندگی واقعی می‌تواند

الف) بازیهای مورد دلخواه و بی‌قانون و قاعده  
در این نوع بازیها، قانون و مقررات و قواعد هیچ گونه نقشی ندارند و در اغلب موارد نیز انفرادی انجام می‌پذیرند. در این بازیها کودک آنچنان که رغبت می‌کند سرگرم می‌شود و

انجام می‌پذیرد. قوانین خاص این بازیها باید از سوی بازیکنان مورد احترام باشد و کاملاً رعایت شود.

### تنوع در بازیهای کودکان

در بازیهای کودکان خصیصه‌ای به نام تنوع، بسیار مشاهده می‌شود. این موضوع کاملاً بارز است که همه کودکان به یک روش و یک نوع بازی نمی‌کنند. تنوع در بازیهای کودکان می‌تواند ناشی از این علل باشد: تفاوت‌های فردی، درجه تندرستی و سلامت،



جلوه کند.

ت ( بازیهای سازنده و خلاقانه

کودک به تخیلات خود شکلی واقعی می‌بخشد و قدرت خلاق خویش را به سوی رشد و تکامل رهنمون می‌شود. در این بازیها، کودک می‌تواند به وسیله خلاقتهای ذهنی خود، از حداقل امکانات موجود دنیای بیرونی، حداکثر استفاده را ببرد.

بازیهای خلاقانه می‌تواند شامل این موارد باشد:

- ۱- ابداع، ابتکار و اختراع
  - ۲- نقاشی با مداد رنگی، آبرنگ، گواش، رنگ و روغن و...
  - ۳- طراحی
  - ۴- نواختن قطعات موسیقی یا آواز خواندن
- هر کدام از بازیهای ذکر شده ممکن است انفرادی یا گروهی باشد.

ث ( بازیهای انفرادی و اختصاصی

در این بازیها معمولاً کودک سعی دارد به صورت انفرادی و کاملاً اختصاصی خود را به نوعی سرگرم کند. مثلاً به جمع‌آوری اشیاء خاصی چون: صدف، سنگ، تمبر و... می‌پردازد و آنها را در یک مجموعه نگهداری می‌کند. او از این طریق می‌خواهد احساسات مالکیت جویانه و تعلق خاطر خود را نسبت به یک یا چند چیز، به صورت علنی جامه عمل بپوشاند.

ج ( بازیهای گروهی و دسته جمعی

این گونه بازیها که از هدف خاصی برخوردار است، معمولاً بر اساس روش، قاعده و قانون

اقتصادی و ... را از طریق بازی تجربه می‌کند و یاد می‌گیرد.

۳- بازی برای کودک، به منزله کار محسوب می‌شود و کار برای او به منزله بازی.

۴- بازی در کودکان موجب رشد و تحول سالم می‌شود.

۵- کودکان از طریق بازی، خلاقیت‌های خویش را شکوفا می‌کنند.

۶- بازی در تربیت احساسات کودک تأثیر بسزایی دارد.

۷- بازی یک منبع غنی آموزشی برای کودک به حساب می‌آید.

۸- بازی بهترین راه برای پرورش روح همکاری و همیاری در میان کودکان است.

۹- بازیهای جالب و جذاب، کودک را به وجد و سرور وامی‌دارد و نیازهایش را با

کوشش و فعالیتی افزونتر، برآورده می‌کند.

۱۰- باید دانست که با تکامل و پیچیده‌تر شدن طرح و نقشه بازی، احساسات کودک نیز ژرفتر و قابل فهم‌تر می‌گردد.

۱۱- در هنگام بازی فضایل اخلاقی سازنده‌ای در کودکان به وجود می‌آید، مانند:

احساس مسئولیت در مقابل جمع یا در برابر وظیفه محوله، داشتن حس دوستی و رفاقت،

ایجاد هماهنگی برای نایل شدن به اهداف مشترک و...

۱۲- باید توجه داشت که بازیهای ابتکاری کودکان، می‌تواند در رشد همه جانبه آنها نقش بسزایی ایفا کند.

۱۳- بازیها به کودکان امکان می‌دهند که نسبت به افراد، محیط، جهان و طبیعت پیرامون خود، شناخت کافی پیدا کنند.

۱۴- بازی خوب شبیه کار خوب است. کار

سطح رشد جسمی - حرکتی، میزان بهره هوشی، نوع جنسیت، نوع محیطی که در آن پرورش یافته‌اند، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، عامل جغرافیایی، میزان اوقات فراغت و وضعیت وسایل و امکانات بازی.

### آثار بازی بر رشد کودکان

مهمترین آثار بازی در رشد کودکان عبارت است از:

۱- تجارب زندگی کودک از طریق بازی صورت می‌گیرد.

۲- کودک مهارتهای شخصی، اجتماعی،





به منزله شرکت انسان در تولیدات اجتماعی و ایجاد ارزشهای فرهنگی و مادی و به عبارت دیگر شرکت انسان در ایجاد ارزشهای اجتماعی است. اما بازی از چنین اصولی پیروی نمی‌کند و رابطه مستقیم با اهداف اجتماعی ندارد. از سوی دیگر باید گفت که بازی به طور غیر مستقیم با این اهداف در ارتباط است. به این معنی که انسان را با همان فعالیت جسمانی و روانی که لازمه کار است عادت می‌دهد.

۱۵- باید توجه داشت که بازیها به تدریج هدفدارتر، پر محتواتر و جالبتر می‌شوند.

### توصیه‌هایی در مورد بازیهای کودکان

برای هر پدر و مادر و به طور کلی برای هر فردی که به نوعی با کودکان سروکار دارد، رعایت نکاتی چند در مورد بازیهای کودکان که به توسط کارشناسان تربیتی تهیه و تنظیم شده است، لازم و حتی ضروری به نظر می‌آید. برخی از این نکات و توصیه‌ها عبارتند از:

۱- به بازی بچه‌ها اهمیت دهید، چرا که تمام زندگی کودک در بازی شکل واقعی به خود می‌پذیرد.

۲- باید همواره سعی شود که موضوع بازی کودکان برگرفته از زندگی خانوادگی، محیط کودکان، مسافرتها، جشنها، فرهنگ‌ها و ... باشد.

۳- باید به تفکرات پویا و خلاق کودکان در ضمن بازی اهمیت داد.

۴- در نظر داشته باشید که محتوای بازیهای کودکان می‌تواند گوناگون باشد. زندگی خانوادگی، کارافراد، حوادث اجتماعی و ... همه و همه می‌تواند برای یک کودک جالب و جاذب

به شمار آید.

۵- در بازی کودکان نباید دخالت کرد. ما تنها نقش راهنما و کمک کننده را ایفاء می‌کنیم، در این صورت نباید بر بازی کودکان مسلط شویم.

در پایان به این نکته نیز اشاره کنیم که برخی از اولیاء نسبت به بازی فرزندانشان هیچ گونه علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. برخی دیگر تنها به خرید اسباب بازی زیاد اکتفا می‌کنند و بعضی نیز بیش از اندازه در بازیهای آنها دخالت می‌نمایند و اجازه نمی‌دهند که خودشان مسائل بازی را حل و فصل کنند. این گونه والدین، کودک را ناگزیر می‌کنند که تنها حرف شنوی بزرگترها و مقلد باشد. در واقع این اولیای کودک هستند که بازی می‌کنند و نه خود او.